

رابطه حزب عدالت و توسعه ترکیه با حکومت اقلیم کردستان عراق

از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸

10.30495/pir.2021.680548

بشیر اسماعیلی^۱، اسماعیل شفیع^۲، نیلوفر حمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

چکیده

دولت ترکیه، راهبردهای ویژه‌ای را در سیاست خارجی خود مخصوصاً در خصوص مسئله اقلیم کردستان عراق و کردهای داخل کشور اجرا کرده است. از آنجایی که ترکیه یکی از بازیگران اصلی در دامن زدن به بحران‌های منطقه است ضروری است سیاست‌هایی که ترکیه در کشور عراق در پیش گرفته مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. به دلیل پراکندگی اقوام کرد در ترکیه و کردهای کشورهای همسایه بوده که در گذر زمان شاهد سیاست‌های متفاوت از سوی دولت ترکیه در برخورد با کردها بوده‌ایم. هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه حزب عدالت و توسعه ترکیه با حکومت اقلیم کردستان عراق است. حزب عدالت و توسعه ترکیه چرخشی در سیاست خارجی خود داشته و در پی سیاست برقراری هم‌مونی منطقه‌ای به دنبال حل مسائل داخلی و منطقه‌ای است و یکی از مهم‌ترین مسائل منطقه مسئله قوم کرد است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود و برای پرداختن به این مسئله از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و پایان‌نامه‌ها کمک گرفته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا بین حزب عدالت و توسعه ترکیه با حکومت اقلیم کردستان عراق رابطه وجود دارد؟ برای تبیین این پژوهش، چارچوب نظری رئالیسم تهاجمی است. نتایج نشان داد ترکیه به‌منظور تحقق هم‌زمان اهداف و سیاست‌ها کوشیده است تا رابطه خود را با حکومت اقلیم کردستان توسعه داده و آن را به سطح رابطه استراتژیک ارتقا دهد.

واژگان کلیدی: حزب عدالت و توسعه، اقلیم کردستان عراق، ترکیه، رئالیسم تهاجمی، اردوغان

^۱ استادیار و هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)

Bashir_Esmaeili@Yahoo.com

^۲ استادیار و هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران

^۳ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران

۱- مقدمه

منطقه خاورمیانه به دلایل مختلف ژئوپلیتیک^۱، ژئواستراتژیک^۲ و ژئواکونومیک^۳ جزو مناطق پر منازعه جهان به حساب می‌آید. کشور عراق همواره در منطقه خاورمیانه همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. تا جایی که برخی این کشور را قلب خاورمیانه می‌دانند. این کشور به دلیل بافت اجتماعی خاص و حضور گروه‌های قومی و فرقه‌ای مختلف، به مثابه مینیاتوری از کل منطقه خاورمیانه به نظر می‌آید. از یک سو عدم پیشرفت فرایند ادغام این گروه‌ها در قالب ملتی واحد و در واقع عدم شکل‌گیری هویت ملی، ابعاد منازعه آمیز جامعه عراق را نشان می‌دهد. از میان اقلیت‌ها و گروه‌های قومی خاورمیانه، کردها و کردستان به دلیل جایگاه جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از زمان تشکیل کشور مستقل عراق تاکنون هیچ‌گاه نقش و تأثیر کردها در شکل‌دهی به نظام سیاسی عراق همچون امروز نبوده است. کردستان عراق به دلیل شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب‌پذیر، عدم ثبات سیاسی و همسایگی آن با کشورهایی که اکراد را در خود جای داده، به حوزه‌ای راهبردی برای کشورهای همسایه و سایر دولت‌های متفوع و قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تبدیل شده است. مسئله کردها و تحولات آن در عراق کردنشین‌های کشورهای همسایه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از کشورهای متأثر در این خصوص، ترکیه است که مقامات این کشور از آغاز شکل‌گیری جمهوری همچنان درگیر پراکندگی اقوام کرد در ترکیه و کردهای کشورهای همسایه بوده که در گذر زمان شاهد سیاست‌های متفاوت از سوی دولت ترکیه در برخورد با کردها بوده‌ایم که صد البته در ابتدا این کشور در قبال تحولات کردی سیاست امحا را پیش گرفته بود.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، سیاست خارجی این کشور، به خصوص چرخش نگرش آن نسبت به کردهای عراق و توسعه روابط با حکومت اقلیم، دچار تحولات اساسی شد و چون ترکیه از بازیگران مهم در عرصه رقابت‌های منطقه‌ای است، مطالعه منافع استراتژیک آن در منطقه و بالأخص با کردهای عراق حائز اهمیت بسیار است چراکه منطقه شمال عراق از کانون‌های بحران در عراق است. امروزه مشاهده می‌شود که ترکیه به دنبال نوعی از تعاملات با اقلیم کردستان است که این تعاملات با سیاست‌های اولیه ترکیه سازگار نیست و روابط ترکیه با اقلیم کردستان پس از سال‌ها تنش در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی ارتقا یافته است و کمپانی‌های ترکیه در سطح وسیعی در کردستان عراق حضور دارند؛ بنابراین در این تحقیق هدف بررسی رابطه حزب عدالت و توسعه^۴ ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق است.

1 Geopolitics
2 Geostrategic
3 Geoeconomics
4 Justice and Development Party

۲- چارچوب نظری

رنالیسم تهاجمی شاخه‌ای از مکتب رنالیسم است که مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده آن شامل قدرت، امنیت، دولت، آنارشی و قدرت‌های بزرگ است. به دنبال افزایش قدرت دولت، نفوذ و کنترل دولت بر محیط بین‌المللی نیز افزایش خواهد یافت. بر اساس نظریه رنالیسم تهاجمی هدف دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل، حفظ تمامیت ارضی و استقلال در نظام سیاسی داخلی است و در واقع پیش‌شرطی در دستیابی به موفقیت و رسیدن به اهداف است؛ بنابراین دولت‌ها زمانی می‌توانند به سایر اهداف خود برسند که امنیت را به‌عنوان مهم‌ترین هدف در نظر بگیرند و دنبال کنند (کامل، ۱۳۸۲: ۸-۱). در این نظریه کشورها به دنبال حفظ بقای خود هستند و قدرت را به‌عنوان کلید گنج بقا می‌دانند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۱). به اعتقاد مرشایمر^۱ از نظریه‌پردازان رنالیسم تهاجمی، هدف دائمی دولت‌ها افزایش قدرتشان در جامعه بین‌الملل است که از طریق به‌کارگیری قدرت نظامی به‌طور مستقیم از دولت پشتیبانی می‌کنند. در نظریه رنالیسم تهاجمی، قدرت نظامی عنصری برای دستیابی به ثبات سیاسی، کسب استقلال و عدم وابستگی به خارج است.

باروی کار آمدن حزب عدالت و توسعه^۲ در ترکیه و اتخاذ رویکردی نوین بر اساس دکترین «ژرفنای استراتژیک^۳» احمد داود اوغلو^۴، تغییراتی در سیاست خارجی این کشور صورت گرفت. یکی از اهداف این سیاست خارجی تبدیل شدن ترکیه به یک قدرت مرکزی است. بر اساس نظریه رنالیسم تهاجمی، لازمه تبدیل شدن ترکیه به یک قدرت مرکزی، کسب جایگاه توسعه و اقتدار کشور ترکیه در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی و اجتماعی است. اگرچه ترکیه به دلیل وابستگی‌های نظامی و اقتصادی به غرب و وجود مشکلات لاینحل اقلیت‌های قومی و مذهبی نتوانسته است اقتدار لازم را در ابعاد مختلف کسب کند (فلاح‌پیشه، ۱۳۹۴: ۱).

۳- سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

باروی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و برنامه‌های این حزب جهت تسریع در ورود به اتحادیه اروپا، تغییرات زیادی در سیاست‌های دولت آنکارا به وجود آمده است. سفر اردوغان به دیار بکر و پذیرفتن اینکه در گذشته به کردها ظلم شده است خود گواه این مدعا است که نگرش دولت نسبت به کردها تغییر عمده‌ای کرده است. رجب طیب اردوغان با استقبال گرمی در دیار بکر روبرو شد و وقتی اذعان داشت در گذشته در این منطقه اشتباهات زیادی مرتکب شده است، رهبران محلی را تحت تأثیر قرارداد؛ اما بسیاری نیز با احتیاط با این حرف‌ها برخورد می‌کنند و می‌گویند بیش از حرف نیاز به عمل است.

1 Mearsheimer
2 Justic Development party
3 Sterategic Depth
4 Ahmet Davutoğlu

بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که: سیاست دولت اردوغان در قبال مسئله کردی یک سیاست چند سطحی است که در کانون آن تلاش برای حل این مسئله از طریق روند دموکراسی و به دنبال آن افزایش مشارکت کردها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی قرار دارد. تصادفی نبود که عبدالله گل^۱ اولین سفر خود را بعد از رئیس‌جمهور شدن به جنوب شرق ترکیه و استان‌های کردنشین اختصاص داد. به باور رهبران حزب عدالت و توسعه، تقویت روند دموکراسی باعث کاهش حمایت کردهای ترکیه از اقدامات خشونت‌بار و در رأس آن‌ها گروه پ.ک.ک.^۲ خواهد شد. علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که برای حل مسئله کردی صورت گرفته، ساده‌انگارانه است که تصور کنیم مسئله کرد و پ.ک.ک. به همین سادگی حل شود. این مسئله در یک بستر تاریخی از اوایل قرن بیستم شکل گرفته و حل آن نیز لازمه گذشت زمان است. یکی از دیگر اهداف مهم سیاست خارجی دولت مردان ترکیه پیوستن به اتحادیه اروپایی است. ولی ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا با موانعی روبرو است که از آن جمله می‌توان به موانع و معیارهای اقتصادی، موانع و معیارهای سیاسی و موانع فرهنگی اشاره کرد.

اصلاحات سیاسی موردنظر اتحادیه اروپا حول محورهای زیر قرار دارد: از جمله آن می‌توان به دموکراسی و حقوق بشر، مسئله نظامیان و دخالت ارتش در سیاست و نقض حقوق اقلیت‌های نژادی (کردها و ارمنه) و فقدان نهادهای دموکراتیک در ترکیه اشاره کرد.

کشورهای همچون روسیه، یونان و قبرس از مشکل کردها علیه ترکیه استفاده کردند و این بر روابط ترکیه با سه کشور همسایه که دارای اقلیت کرد هستند تأثیر گذاشت. ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا نیازمند حل مسئله کردهاست و تداوم وضعیت کردهای داخل ترکیه مهم‌ترین مانع برای رسیدن ترکیه به اهداف راهبردی است.

ترکیه با داشتن بیشترین جمعیت کرد، نسبت به سه کشور ایران، عراق و سوریه نه تنها هیچ گامی در جهت وضعیت بهبود آن‌ها برنداشته، بلکه همواره به بهانه و دلایل مختلف و با اعزام نیروهای دولتی به مناطق کردنشین و یا با به آتش کشیدن روستاها و همچنین بمباران آن مناطق دست به قتل‌عام کردها زده است مجلس نمایندگان اروپا همواره به کشور ترکیه متذکر شده است که در صورت عدم پیشرفت وضعیت حقوق بشر و مسئله کردها با ترکیه برخورد خواهد کرد.

۴- بعد امنیتی روابط عمیق دولت اسلام‌گرای ترکیه (حزب عدالت و توسعه) و حکومت اقلیم کردستان عراق

یکی دیگر از ابعاد اهمیت اقلیم کردستان برای کشور ترکیه در بعد امنیت است. در چند سال گذشته یک پارادایم و الگویی جدید در میان سیاستمداران ترک در قبال مواجهه با کردهای ترکیه شکل گرفته است. ترکیه بر آن است به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای ایفای نقش کند که لازمه‌ی آن حل مشکلات داخلی کشور و پیش از همه دستیابی به یک تفاهم و صلح پایدار با کردهای ساکن ترکیه است. امروزه مباحث داخلی جدی در مورد مشکل کردها شکل گرفته است. مقامات ترک

1 Abdullah Gül

2 Partiya Karkerên Kurdistanê

امروزه دیگر همچون گذشته تنش میان طرفین را تنها چالش ترکیه نمی‌دانند. بلکه آن را به‌عنوان دغدغه‌ی کردها نیز درک می‌کنند. به اعتقاد برخی از کارشناسان سیاسی، این سیاست جدید ترکیه از زمانی شکل گرفت که حکومت اقلیم کردستان از یک بازیگر منطقه‌ای کوچک خارج شده و تبدیل به یک عنصر قدرتمند و استراتژیک در بازی پیچیده‌ی ژئوپلیتیک بازی منطقه شده است (ذوالقدر و کاظمی پیرسرا، ۱۳۹۴: ۱۸).

وجود مرز مشترک میان اقلیم کردستان عراق با کشور ترکیه مسئله‌ای با عنوان معمای امنیت را میان دو کشور ایجاد کرده است. معمای امنیت میان دو بازیگر بر این مبناست که کشور ترکیه در درون مرزهای داخلی خود جمعیت نزدیک به ۲۰ میلیون کرد دارد (اولسون، ۱۳۹۰: ۸۹). همچنین، با معضل امنیتی بزرگی به نام حزب کارگران کردستان مواجه است که از سال ۱۹۸۳ تاکنون مبارزه مسلحانه علیه دولت مرکزی را آغاز نموده است. در نتیجه درگیری‌ها حدود ۴۰ هزار نفر کشته بیش از یک میلیون نفر مجبور به کوچ اجباری شده‌اند و ترکیه به جامعه‌ای قطب‌بندی تبدیل شده است (کایمان و کریمی، ۱۳۹۳: ۲۳).

در نتیجه این روند، از اواخر دهه ۲۰۰۰ شاهد آغاز مرحله‌ای جدید از مناسبات امنیتی میان ترکیه با حکومت اقلیم کردستان به‌طور خاص حزب دموکرات کردستان عراق بوده‌ایم. بدون تردید، رویکرد مقامات آنکارا در به رسمیت شناختن حکومت اقلیم کردستان و مسئله انرژی در بهبود مناسبات امنیتی میان دو طرف تأثیر عمیقی داشته است. اردوغان^۱ و بارزانی^۲ یکدیگر را بهترین دوستان هم در منطقه‌ای می‌بینند که کشورها اکثراً دشمن هستند. آن‌ها دارای رابطه امنیتی رو به رشدی هستند؛ آنکارا سلاح و مربی نظامی به‌منظور آموزش نیروهای پیشمرگه برای حکومت اقلیم کردستان فراهم می‌کند و به آن‌ها در دفاع در برابر دولت اسلامی عراق و شام (داعش) کمک می‌کند. هر دو رهبر به اکثریت شیعه، ناسیونالیست‌های عرب و دولت طرفدار ایران در بغداد بی‌اعتماد هستند. این مسئله را می‌توان از اختلافات اردوغان با اکثریت شیعه^۳ و مناقشه بارزانی با اعراب ناسیونالیست فهمید. نگرانی از نقش ایران کم‌وبیش به یک اندازه در هر دو رهبر وجود دارد. در اواسط دهه ۱۹۹۰ ارتش ترکیه، حضورش را داخل کردستان عراق به ۶۰۰۰۰ نفر افزایش داد. ارتش ترکیه قصد داشت از زیاد شدن پایگاه‌های پ.ک.ک. در نواحی کوهستانی و شهرها جلوگیری کند. در آن زمان، وقتی نخست‌وزیر اردوغان، ملاقاتی را با بغداد داشت، تصمیم حکومت را به باز کردن کنسولگری در اربیل - ترکیه قبلاً در بصره و موصل کنسولگری باز کرده بود - و سفارتخانه در بغداد اعلام کرد. مقامات ترک حتی تجار بزرگ مستقر در استانبول را مثل ساختمان‌سازان و شرکت‌های انرژی را ترغیب کردند که به منطقه کردستان بیایند. در طول سال‌های گذشته کردستان عراق در نگاه ترکیه مأمّن شبه‌نظامیان پ.ک.ک. عمق استراتژیک این گروه بوده است ولیکن امروز حکومت اقلیم کردستان به‌نوعی بخشی از حل بزرگ‌ترین مشکل امنیتی ترکیه بشمار می‌رود. بارزانی همواره به گروه‌های جدایی طلب کردی هشدار می‌دهد از اسلحه استفاده نکنند و به گفتگو رو بیاورند. در واقع بارزانی ابتدا به دنبال ایجاد امنیت و تثبیت موقعیت خود در اقلیم کردستان بوده و سپس به دنبال وارد شدن به مسئله کردهای خارج از عراق است. حزب قانونی کرد صلح و دموکراسی (ب.د.پ) و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در ترکیه از ورود بارزانی به حل مسئله اکراد هشدار داده و

1 Erdogan

2 Barzani

اقدام وی را به جانب‌داری از آنکارا قلمداد می‌کنند. هرچند بارزانی در سال‌های گذشته خود را به‌عنوان یک کرد دلخواه ترکیه معرفی نموده ولی سیاستی که وی در قبال کردهای سوریه اتخاذ کرده است، نظر ترکیه را بر نمی‌تابد (سیلسن، ۲۰۱۶: ۳۸). با این وجود حکومت اقلیم کردستان عراق به رهبری بارزانی، مایل به همکاری با ترکیه برای مهار پ. ک. ک. در منطقه است و حتی اقداماتی در این زمینه انجام داده است. تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه نسبت به کردهای عراق و سوریه نگرشی امنیتی داشت و از سیاست مبتنی بر انکار و امحاء استفاده کرد. در نتیجه راهبرد ترکیه به سمت پذیرش واقعیت کردهای داخلی تغییر یافت و رفتار ترکیه در مورد کردهای آن‌سوی مرزها دوگانه بود. برخورد دولت‌های ترکیه با مسائل و مشکلات ترک‌ها در سه محور اصلی است اولین محور همانند ساختن کردها در جامعه ترک و تشکیل ناسیونالیسم ملی ترکیه در برابر ناسیونالیسم محلی و قومی کردی، دومین محور به‌کارگیری اقدامات امنیتی و نظامی برای زدن ضربه به گروه‌هایی که خواهان تجزیه کردها بودند و سومین محور استفاده از وجود کردها در میان همسایگان به‌منظور ریشه‌کن کردن بحران کردستان و فشار به کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای جهت همکاری با ترکیه برای مبارزه علیه گروه‌های معارض کردی (ساجدی، ۱۳۹۴: ۲۱۱)

ترکیه علاوه بر سرکوب کردهای داخل کشور همیشه در مورد کردهای عراق نیز دخالت نموده و این دخالت را حق خود می‌داند چون آن منطقه قبلاً جزء عثمانی بوده است. عناصر اصلی فرهنگ راهبردی ترکیه بعد از جنگ جهانی دوم خلیج فارس و اعلان نظم جدید جهانی و نیز تحولات عراق تقویت گردید. ترکیه از این تحولات و حفظ آن ناراضی بود. توجه آنکارا به شمال عراق معطوف گردید و دخالت‌های خود را افزایش داد. در حقیقت با این دخالت ترکیه نشان داد که به شکل یک اهرم امی نظم جدید ایالات متحده در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۵۰). ترکیه از سال ۱۹۹۱ با دلوپسی‌های جدی مواجه بوده است:

اول: اینکه تأسیس حکومت مستقل در شمال عراق بر کردهای ترکیه اثر خواهد گذاشت؛

دوم: اینکه ترکیه می‌بایست برای عضویت در اتحادیه اروپا، شرایط کردها و دموکراسی را تقویت کند؛

سوم: اینکه نیروهای پ. ک. ک. از فقدان قدرتی که در شمال عراق به وجود آمده بود بهره بردند و خود را تثبیت نمودند. ترکیه هم به‌منظور نفوذ کردهای شمال عراق برای محدود نمودن نفوذ پ. ک. ک. سیاستی را اتخاذ کرد و آن اهدای گذرنامه‌های دیپلماتیک به رهبران دو حزب بود که به‌مثابه درگاهی برای ورود کردهای عراق به خارج شد. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ بین ترکیه و اقلیم کردستان عراق ارتباطات خوبی به وجود آمد که این ارتباط رو به رشد بود و با گذشته تفاوت کامل داشت. ترکیه اقلیم کردستان را به‌عنوان اولویت اصلی برنامه‌ریزی شده در سیاست خود قرارداد. رئیس حکومت اقلیم نیز اصل ارتباط را بر امنیت قرار داده و از منظر مصالح به این رابطه می‌نگرد (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۵۶). ترکیه نگران این مسئله است که شکل‌گیری دولت خودمختار و مستقل در عراق بر تحرکاتی که خواهان جدایی کردهاست تأثیر می‌گذارد و همین‌طور وجود یک دولت ضعیف در عراق باعث می‌شود که گروه پ. ک. ک. به فکر اقداماتی جهت حمله به خاک ترکیه شوند. با این وجود ترکیه به دنبال ایجاد حکومت مرکزی قدرتمندی در عراق است که بتواند علاوه بر ثبات اقتصادی و سیاسی در داخل کشور، از قدرت‌یابی ایران در منطقه جلوگیری کند (درخشه و دیوسالار، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

از نظر سیاستمداران و بر مبنای سیاست خارجی جدید ترکیه، تمامیت ارضی عراق یک خط قرمز برای ترکیه محسوب می شود و ترکیه نسبت به تحولات در عراق برخورد انعطاف پذیری را دارد. ترکیه با تمامی گروه های عراقی فارغ از قومیت، مذهب و ... مذاکره می نماید با وجود اینکه سیاست خارجی ترک ها کاملاً با آن ها متفاوت است، بنابراین بسیاری از خط قرمزهای مناطق ترکیه کنار گذاشته شد به این دلیل که ترک ها در اشغال عراق شرکت نکرده و به نیروهای ائتلاف آمریکا نپیوستند و از طریق دیپلماتیک به دنبال ایجاد یک دیدگاه مشترک در میان کشورهای همسایه عراق بودند تا از صلح و ثبات در منطقه حمایت کنند. در اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی ترکیه با عراق مناسبات دیپلماتیک برقرار کرد و سفارت خود در این کشور را بازگشایی کرد (درخشه و دیوسالار، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

پیش تر پایگاه های ارتش ترکیه شامل ۱۴ پایگاه نظامی و ۴ پایگاه اطلاعاتی در مناطق مختلف استان دهوک بوده و این پایگاه ها تبدیل به پایگاه های دائمی ترکیه در اقلیم شده اند؛ اما در پی حمله ترکیه به منطقه کردنشین عفرین^۱ در شمال سوریه و تصرف این منطقه با کمک گروه های جهادی افراط گرای سوری، ارتش این کشور در ۱۰ مارس ۲۰۱۸ وارد عمق ۳۰ کیلومتری خاک اقلیم کردستان شده و به صورت آزادانه در روستاها و مناطق مسکونی اقلیم به تردد و اجرای عملیات نظامی پرداخته است و شمار پایگاه های نظامی خود در اقلیم را افزایش داده و این بار این پایگاه ها فقط محدود به استان دهوک نبوده و به استان اربیل نیز گسترش یافت. در حال حاضر ارتش ترکیه ۷ پایگاه دیگر را در استان اربیل ایجاد کرده که ۵ پایگاه در منطقه سیدکان^۲ و سوران^۳ و یک پایگاه در منطقه بارزان^۴ و یک پایگاه نیز در مابین اربیل و منطقه شقلاوه قرار دارد و با توجه به دائمی شدن پایگاه های دهوک، پایگاه های ایجاد شده در اربیل نیز موقتی نبوده و دائمی خواهند بود. مقامات ترکیه هم زمان با بمباران بی وقفه مناطق مسکونی اقلیم کردستان و افزایش شمار نظامیان و سلاح های سنگین در این پایگاه ها حمله وسیعی را علیه قنديل و سنگال^۵ و منطقه مخمور^۶ اقلیم کردستان انجام دادند. مقامات اقلیم کردستان نیز وجود نظامیان پ.ک.ک، در اقلیم را عامل اصلی این اقدامات ترکیه دانسته و خواهان خروج پ.ک.ک، از اقلیم برای پایان دادن به عملیات نظامی ترکیه هستند و تأکید می کنند که اجازه نمی دهند از خاک اقلیم کردستان برای اقدام علیه کشورهای همسایه اقلیم استفاده شود. (خبرگزاری کردپرس، ۱۳۹۷/۴/۱۴). لازم به ذکر است جمهوری اسلامی ایران دارای هیچ نوع پایگاه نظامی در اقلیم کردستان عراق و کشور عراق نیست.

1 Afrin
2 Sidcan
3 Soran
4 Barzan
5 Singara
6 Maxmur

۵- بعد فرهنگی روابط استراتژیک دولت اسلام‌گرای ترکیه (حزب عدالت و توسعه) و حکومت اقلیم کردستان عراق

ترکیه اخیراً در اقلیم کردستان عراق وارد فاز فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای نیز شده و علاوه بر تأسیس یک شبکه تلویزیونی ویژه کودکان، یک شبکه رادیویی به نام دوران نیز تأسیس کرده و همچنین قرار بود یک شبکه تلویزیونی دیگر هم از سوی مؤسسات فرهنگی، اقتصادی وابسته به فتح‌الله گولن در این منطقه دایر شود (زواری رضایی، ۱۳۹۲/۰۱/۲). ترکیه در میدان رقابت فرهنگی نیز تا حد زیادی موفق عمل کرده است و اگر تا چند سال پیش، بسیاری از نوجوانان و جوانان کرد شمال عراق علاقه‌مند به یادگیری زبان فارسی و گوش سپردن به موسیقی خوانندگان ایرانی بودند، هم‌اکنون به یمن فعالیت مدارس و دانشگاه‌های ترک‌زبان وابسته به جماعت گولن و تاکتیک‌های رسانه‌ی خاص ترکیه، این روند برعکس شده و کم نیستند شمار نوجوانانی که یا ترکی را یاد گرفته‌اند و یا در حال یادگیری آن هستند (دستمالی، ۱۳۹۴).

۶- مناسبات استراتژیک ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق پس از سقوط صدام

پس از سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ سیاست ترکیه مبتنی بر تقویت جمعیت ترکمن کرکوک، جلوگیری از آرمان کردها و نیز تقویت سنی‌های عراق بود. ترکیه احساس می‌کرد با عدم مشارکت در اشغال عراق و عدم همراهی با آمریکا بازی قدرت را در عراق نوین باخته و روی کار آمدن شیعیان موجب افزایش نفوذ ایران و نیز خودمختاری کردستان موجب تحریک کردهای ناراضی داخلی شده است. ترس ترکیه از آن بود که حکومت خودمختار کرد در عراق، کردهای ناراضی ترکیه و گروه‌های مسلح پ.ک.ک. را تقویت نموده و امنیت این کشور را تحت تأثیر قرار دهد (ذوالقدر و کاظمی پیرسرا، ۱۳۹۴: ۲۴). به‌طورکلی طی دو دهه گذشته آنکارا همواره از استقلال کردها و تشکیل دولت مستقل کردی نگران بود و از این رو که جمعیتی ۲۰ میلیونی از کردها در ترکیه وجود دارند، آن را همچون تهدیدی امنیتی برای خود تلقی می‌نمود. باین‌وجود در اواخر دهه ۲۰۰۰ شاهد تغییر رویه جدی ترک‌ها نسبت به اقلیم کردستان بودیم.

درواقع سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، تغییرات چشمگیری به خود دید. گرچه نباید از این نکته غافل شد که این تغییرات با توجه به ماهیت تغییر نظام بین‌الملل مقطعی بوده است. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، هم‌سوئی با کشورهای اسلامی منطقه و زدودن بحران با همسایگان به‌عنوان اولویت‌های دیپلماسی آنکارا قرار گرفت. احمد داود اوغلو استراتژی «عدم بحران با همسایگان» را مطرح کرد. البته این سیاست به دلیل تشکیل اعتراضات مردمی در خاورمیانه و کشورهای اسلامی خاصیت خود را از دست داده و ترکیه سیاستی را اتخاذ کرد که به بحران‌های موجود با کشورهای سوریه، عراق و تا حدودی نیز ایران دامن می‌زد. در مورد سیاست بحران‌زدایی، آنکارا را می‌توان در ارتباطات ترکیه و حکومت اقلیم کردستان مشاهده کرد (مقدم ارسباری، ۱۳۹۱). در حال حاضر سرمایه‌گذاری در اقلیم کردستان عراق متعلق به ترکیه است. به دنبال بهبود روابط اقتصادی، روابط سیاسی موردتوجه قرار گرفت و سفر ۲۰۰۹ احمد داود اوغلو وزیر خارجه ترکیه به اقلیم کردستان سرفصل روابط جدید طرفین

به شمار می‌رود. به دنبال این سفر کنسول گری ترکیه در اربیل افتتاح گردید. پس از آن اردوغان و عبدالله گل نیز از شمال عراق دیدار به عمل آورده و در مقابل مقامات اقلیم کردستان نیز بارها به آنکارا سفر کردند. تغییر شکل روابط به گونه‌ای است که مسعود بارزانی در قامت رئیس اقلیم کردستان، یکی از میهمانان ویژه کنگره حزب عدالت و توسعه ترکیه در سپتامبر ۲۰۱۲ بود (ذوالقدر و کاظمی پیرسرا، ۱۳۹۴: ۲۵). سفر اردوغان به اربیل در سال ۲۰۰۹ در پیچه‌ای برای از بین بردن تنش و افزایش روابط بود. در حقیقت در این برهه ترک‌ها فهمیدند که باید سیاست و روش خود را با چشم‌پوشی از تاریخ پر تنش عوض کنند و دیپلماسی را جایگزین راه‌حل‌های بحران‌زا نمایند. چون گسترش روابط این دو حتماً در آینده در کاهش بحران‌های ترکیه و کردهای آن کشور تأثیر خواهد داشت به همین منظور برای جلب اعتماد کردها روابطشان را با کردستان عراق محکم نمودند. ترکیه تصمیم دارد با گسترش قدرت نرم، بازی مهمی را در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی با ارائه سیاست دکترین عمیق راهبردی ایفاء کند. نفوذ در کردستان عراق مورد توجه حزب اسلام‌گرا است. گفتنی است حضور شیعیان در منصب‌های عراق به خاطر نفوذ ایران، مورد علاقه ترک‌ها نیست. به همین دلیل ترکیه به دنبال تقابل بانفوذ ایران در عراق برای ممانعت از تسلط بر اقلیم است. به منظور دستیابی به این هدف آنکارا تلاش می‌کند ضمن حمایت از عرب‌های اهل سنت، از منظر مشترکات مذهبی کردها را به عرب‌های اهل سنت نزدیک نماید و از آن‌ها به‌عنوان یک مانع در برابر دولت مرکزی عراق استفاده کند. طی دو دهه گذشته شاهد تشکیل روابط چندبعدی بین کردستان عراق با ترکیه بوده‌ایم که می‌توان به آن به‌عنوان روابط استراتژیکی نگریست. در سال ۲۰۰۳ به دلیل مخالفت پارلمان، دولت ترکیه اجازه استفاده از پایگاه‌های خود را به آمریکا جهت حمله به عراق نداد. مخالفت ترکیه با حمله ایالات متحده و نیز سرنگونی صدام باعث پیچیده‌تر شدن معادله شورش‌های شمال عراق و شورش‌های پ.ک.ک برای دولت ترکیه شد؛ زیرا با حمایت‌های فراوان آمریکا و نیز تغییر رژیم عراق نقش مهمی را در عرصه‌های سیاسی ایفاء کردند. شورش‌های پ.ک.ک در اقلیم به هدف‌های خود نائل شدند و امنیت منطقه‌های مرزی ترکیه متزلزل شد. احتمال می‌رود افزایش نفوذ مخالفان دولت ترکیه به خاطر همراهی نکردن ترکیه با آمریکا این مجال برای آن‌ها به وجود آمد. در دهه دوم یکی از اصلی‌ترین موانع گسترش روابط بین ترکیه و حکومت اقلیم کردستان، موضوع کردستان ترکیه بود. ترکیه در نظر داشت با ایجاد تنگنا بر حکومت اقلیم، نیروهای پ.ک.ک را ضمن خلع سلاح از اقلیم کردستان اخراج کنند ولی به دلیل اینکه مردم کردستان بر این موضوع بسیار حساس بودند، حکومت اقلیم راه تقابل نظامی را پیش نگرفت و همیشه سعی کردند به‌عنوان میانجی پیش قدم باشند. در سال ۲۰۰۳ دولت ترکیه ناظر دگرگونی‌هایی بود که همسایگان کرد آن کشور به شکلی متفاوت نسبت به سال‌های قبل در امور سیاسی عراق شریک شدند. ترکیه از ابتدا با تجزیه عراق و تشکیل حکومت مستقل کردی مخالف و نگران آینده عراق بود. با این مخالفت‌ها روابط بین اقلیم و کشور ترکیه دچار بحران گردید و حتی حکومت اقلیم تهدید به دخالت نظامی شد. از آوریل ۲۰۰۳ تلاش‌های دیپلماتیک ترکیه در جهت تقویت دولت مرکزی عراق، استقرار کرکوک و کردستان در دل ساختار دولت و تهیه قانون اساسی تمرکز یافت؛ اما این تلاش‌ها ثمری در بر نداشت و دو سال بعد از جنگ اولین شکست ترکیه گذر از خط قرمزی بود که ترکیه در جهت فدرالیسم برای اقلیم کردستان تهیه کرده بود. با تبدیل شدن کردستان به منطقه فدرال، ترکیه در تعقیب نیروهای پ.ک.ک ناکام ماند. شورشیان

در اجرای عملیات نظامی به قدرت بیشتری دست یافتند و یورش‌های آن‌ها در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ شدت بیشتری گرفت. با شدت گرفتن حملات پ.ک.ک در سال ۲۰۰۷ دولت ترکیه به تهدید حکومت اقلیم پرداخت. حکومت اقلیم این تهدیدات را به‌مثابه یک مانور سیاسی ارتش ترکیه و نیز پاسخی در برابر مطالبات کردها در برابر کرکوک اعلام کرد. به دنبال این اتفاقات، حکومت کردستان نیز کردهای جنوب شرق ترکیه را به‌طور غیرمستقیم به قیام تشویق کرد که این پاسخی به تهدیدات ترکیه بود. در اکتبر ۲۰۰۷ هنگامی که ترکیه نیروهای خود را به مرز گسیل داشت تنش بالا گرفت و نهایتاً حکومت اقلیم و آمریکا از ترکیه خواستار توقف عملیات نظامی در برابر پ.ک.ک شدند. بارزانی بر راه‌حل‌های دیپلماتیک و مذاکرات پافشاری کرد اما ترکیه بیشتر بر روی ارتباط با دولت مرکزی عراق اصرار می‌ورزید.

ترکیه مجری سیاست‌های غرب به‌ویژه آمریکا به‌عنوان یکی از اعضای ناتو است و می‌بایست سیاست‌هایش به نحوی باشد که با منافع غرب متضاد نباشد ولی دخالت‌های آمریکا در عراق و حمایت از کردهای اقلیم و همین‌طور فراهم شدن زمینه فعالیت‌های پ.ک.ک باعث بی‌اعتمادی و نگرانی مردم و دولت ترکیه شده بود. جرج بوش^۱ برای به دست آوردن اعتماد دولت ترکیه تفاهم‌نامه‌ای را در تاریخ ۵/۱۱/۲۰۰۷ با اردوغان امضا کرد تحت عنوان مشارکت اطلاعاتی علیه تروریسم. در فوریه سال ۲۰۰۸ با توجه به سفر طالبانی به ترکیه، دیدگاه ترکیه نسبت به حکومت اقلیم همچنان مثبت نبود. در اوایل سال ۲۰۰۹ ملاقات ترکیه با مقامات در سطح عادی و افتتاح کنسولگری ترکیه در اربیل زمینه‌ساز شروع روابط گردید. داود اغلو در جریان افتتاح کنسولگری در اربیل اظهار داشت: همکاری بین ترکیه و اقلیم می‌بایست گسترش یابد چون ترکیه دروازه شمال عراق به اروپا و اربیل نیز دروازه ترکیه به بصره است. با سفرهای مقامات ترکیه به اقلیم کردستان ترکیه اثبات کرد که کردستان عراق در راستای تحقق سیاست خارجی داود اغلو در از بین بردن مشکلات همسایگان حائز اهمیت است. در طول سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ روابط ترکیه و کردستان عراق توسعه بیشتری پیدا کرد که شکل متفاوتی با گذشته داشت. اقلیم کردستان به‌عنوان اولویت اصلی در سیاست ترکیه مورد توجه قرار گرفت. رئیس کردستان عراق نیز هدف از رابطه با ترکیه را دستیابی به منافع مورد نظر اقلیم قرار داده و از دیدگاه مصالحه به این رابطه می‌نگرد (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۹). مقامات دولت ترکیه در ادامه اجرای سیاست‌های تنش‌زا در منطقه، در آذرماه، ۱۳۹۴ اقدام به استقرار نیروهای نظامی خود در منطقه «بعشیکه» واقع در نزدیکی شهر موصل عراق کردند؛ اقدامی که واکنش شدید مقامات بغداد را به دنبال داشت. در اولین واکنش به اقدام ترکیه، حیدر العبادی، نخست‌وزیر، عراق بایان اینکه اقدام آنکارا «نقض آشکار حاکمیت ملی» عراق بوده است، خروج هرچه سریع‌تر نیروهای ترکیه از خاک این کشور را خواستار شد. منطقه «بعشیکه» در شمال شرق شهر موصل در استان نینوا واقع شده است. اکثریت ساکنان این منطقه را ایزدی‌ها تشکیل می‌دهند، باین‌حال درصدی از مسلمانان و مسیحیان نیز در آنجا سکونت دارند. این منطقه تحت کنترل نیروهای پیشمرگه عراق است. آنکارا مدعی است که برای ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اقلیم کردستان وارد این منطقه شده است. اکنون نیز آنکارا همچون گذشته دولت مرکزی بغداد را نادیده گرفته و با اعزام نیروهای نظامی خود به شمال عراق در اندیشه تحقق منافع خود است.

1 George Bush

از سوی دیگر، در شرایط کنونی که دولت ترکیه آماج حملات خارجی به ویژه از سوی روسیه قرار داشته و مقامات مسکو آن را به حمایت از تروریست‌های تکفیری داعش و همچنین دست داشتن در تجارت نفت با این گروه تروریستی متهم می‌کنند، اقدام ترکیه در اعزام نیروهای نظامی به شمال عراق به بهانه ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اقلیم کردستان باهدف ظاهرسازی و اثبات نقش آنکارا در مبارزه با تکفیری‌ها بعید به نظر نمی‌رسد.

مقامات ترکیه که همواره از طریق باز گذاشتن مرزهای خود به روی تروریست‌ها و تسهیل عبور و مرور آن‌ها از هیچ خوش خدمتی به تکفیری‌ها دریغ نکرده‌اند، با ادعای ارائه آموزش‌های نظامی به نیروهای اقلیم کردستان درصددند تا بار خود را در قامت دولت ضد تروریسم معرفی کنند.

به طور کلی، ترکیه به عنوان مهم‌ترین بازیگر خارجی در معمای کرکوک در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ رویکرد و سیاست خاصی را اتخاذ نموده است. این کشور، کرکوک را به مثابه مسئله‌ای مهم در معادلات آینده مدنظر دارد و در این راه آماده است هر کاری را برای جلوگیری از کنترل اکراد بر کرکوک انجام دهد. در حقیقت کرکوک نقطه عطف سیاست ترکیه در کشور عراق است و از هیچ کوششی برای جلوگیری از برگزاری همه‌پرسی مندرج در ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق دریغ نمی‌کند.

سیاست‌مداران ترکیه از یک طرف به خاطر وجود بیست میلیون کرد در کشور از الحاق کرکوک به اقلیم کردستان از این منظر که می‌تواند پایه‌گذار دولت خودمختار کردی شود می‌ترسند. به طوری که اردوغان در سال ۲۰۰۶ اظهار می‌دارد: اگر کرکوک تحت سلطه کردهای عراق قرار گیرد، بدون عکس‌العمل نخواهیم بود. تشکیل دولت کردی در شمال عراق و الحاق کرکوک به آن، ترغیبی است برای کردهای ترکیه که آن‌ها را برای استقلال تحریک کند. از طرف دیگر ترک‌ها نسبت به کرکوک چشم‌داشت تاریخی دارند. از نظر آن‌ها کرکوک و موصل قسمتی از کشور ترکیه بوده‌اند، اما قدرت‌های پیروز در جنگ جهانی اول، طی عهدنامه «سور» تعمداً این شهرها را به کشور تازه تأسیس عراق منظم کردند. رهبران دولت ترکیه در طی سال‌های متمادی ادعاهای سرزمینی خود را نسبت به مناطق نفت‌خیز شمال عراق اظهار کرده‌اند (گروه بحران بین‌المللی، ۱۲).

با این وجود عملکرد خاص دولت ترکیه در ارتباط با کرکوک بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ پشتیبانی از جبهه ترکمن‌های عراق و حامیانش در راستای جلوگیری از کوچ داخلی کردهایی بود که در دوره صدام تملک‌های سرزمین خود را از دست داده بودند. (احمد، ۲۰۰۴: ۳۲-۳۴).

علاوه بر این آشکارترین حضور ترکیه در شمال عراق، مستقر کردن هزار و پانصد تا سه هزار سرباز ویژه در شمال عراق است. این سربازان به بهانه ممانعت از کوچ دوباره کردها به ترکیه همانند سال ۱۹۹۱، در سال ۲۰۰۳ در مرزهای دو کشور استقرار یافتند. وجود این نیروها باعث برانگیخته شدن احساسات کردها شد؛ اما به دنبال حضور این نیروها، رویدادی که شرمساری عظیمی برای ترکیه به همراه داشت این بود که پلیس‌های کرد سلیمانیه افراد مسلحی را بازداشت کردند که احتمالاً خود را برای ترور استاندار کرکوک مهیا می‌کردند. بعدها هنگامی که معلوم شد این افراد از نیروهای ویژه

ترکیه بوده‌اند، دولت ترکیه سیاست خود را اندکی در شمال عراق تغییر داد و قدرت ارتش خود را محدودتر کرد اما ارتش نظامی استقرار یافته در شمال عراق همچنان در جای خود باقی ماند.

ترکمن‌ها شمار جمعیت خود را در عراق حدود ۲ میلیون نفر برآورد می‌کنند یعنی حدود ۸ درصد جمعیت کشور. به نظر می‌رسد آمار ارائه شده از سوی آنان دقیق نیست. در این میان، بر اساس آمار ارائه شده از سوی خود ترکمن‌ها، ۴۰ درصد از آنان شیعه هستند و در کرکوک، در قالب ائتلاف اسلامی ترکمن سازمان یافته‌اند و به طور مستقیم خود را مطیع آیت‌الله سیستانی می‌دانند؛ اما ترکمن‌های سنی مذهب، زیر حمایت ترکیه در قالب جبهه ترکمن‌های عراق تشکیل یافته‌اند. به طور کلی، ترکیه با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارد تلاش می‌کند، در آینده تحولات کرکوک نقشی اساسی ایفاء نماید. در این میان، مهم‌ترین ابزارهای دولت ترکیه را می‌توان در چهار مورد زیر خلاصه نمود:

۱- استفاده از تبلیغات وسیع جهت مشروعیت بخشیدن به حمله نظامی به شمال عراق؛ با بزرگ‌نمایی تهدید کردها علیه ترکمن‌ها؛

۲- حمایت مالی و سیاسی ترکمن‌های عراق؛

۳- بهره‌گیری از مسئله وابستگی اقتصادی اقلیم کردستان عراق به مرزهای ترکیه و متعاقب آن تهدید به بستن مرزها؛

۴- بازی با کارت حمله نظامی به شمال عراق در صورت ضرورت که همواره موجب هراس کردها بوده و عاملی بازدارنده در عدم پافشاری کردها بر خواسته‌هایشان بوده است.

شهر کرکوک در ۲۵۰ کیلومتری بغداد واقع شده است. این شهر یکی از غنی‌ترین شهرهای عراق از نظر برخورداری از منابع و میدان‌ها نفتی است. در واقع حدود ۴۰ درصد از نفت عراق از طریق این شهر به دیگر کشورها صادر می‌شود.

۷- بعد اقتصادی روابط عمیق دولت اسلام‌گرای ترکیه (حزب عدالت و توسعه) با حکومت اقلیم

کردستان عراق

یکی از مهم‌ترین ابعاد رویکرد استراتژیک ترکیه نسبت به اقلیم کردستان را می‌توان از بعد اقتصادی و تجاری مورد بررسی قرارداد. اقلیم کردستان با جمعیتی بالغ بر ۵ میلیون نفر در مرزهای رسمی چهار استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و حلبچه بازار مناسبی برای فروش و صادرات کالاهای ترکیه بوده است. هم‌چنین موضوع انرژی و دسترسی ترکیه به منابع ارزان انرژی نفت و گاز یکی دیگر از ابعاد اهمیت اقلیم کردستان برای دولت‌مردان ترک بوده است. تغییری که در رویکرد مقامات ترک در ارتباط با اقلیم کردستان به وجود آمده است، باعث شده با وجود سردی روابط در سال‌های اول خودمختاری، اکنون کردستان شاهد سرمایه‌گذاری‌های وسیع و گسترش روابط با ترکیه باشد. امروز در شهرهای اقلیم کردستان شهرک‌هایی طراحی و ساخته شده به وسیله آمریکا، اروپا و ترکیه، مجتمع‌های بزرگ و مدرن و خودروهای اروپایی و آمریکایی خودنمایی می‌کنند. ترکیه این نکته را به خوبی دریافت که نمی‌تواند از حقیقت خودمختار بودن کردستان غافل شود؛ بنابراین سعی کرد به اقلیم کردستان بیشتر به‌عنوان یک دوست نزدیک شود تا اینکه از دور مراقب سیاست‌های آن

باشد (کتابی، ۱۳۹۲: ۱۷). به طور کلی، ایجاد مناسبات تجاری و صادرات انرژی از اقلیم کردستان به ترکیه زمینه‌ای مهم در مناسبات میان دو طرف بوده است.

۷-۱ انرژی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های توجه ترکیه به منطقه شمال عراق یا همان اقلیم کردستان منابع غنی انرژی موجود در این منطقه است. حکومت اقلیم کردستان عراق دارای ذخایر نفتی انبوهی است گفته می‌شود که اقلیم کردستان دارای ذخایر مشابه با ذخایر نفتی لیبی و ذخایر گازی مشابه با ذخایر گازی قزاقستان است (فرهاد درویشی، ۱۳۹۲)، ذخایر نفتی کردستان عراق حدود ۴۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که غول‌های نفتی بین‌المللی را به کنفرانس بین‌المللی انرژی ۲۰۱۲ منطقه کردستان جذب کرد. پنج سال پیش‌تر از آن حکومت اقلیم کردستان از میزان دقیق حجم نفت و گاز در این منطقه مطلع شد. موضوع نفت و گاز منطقه کردستان از سال ۲۰۰۶ جدی شد.

زمانی که حکومت اقلیم کردستان عراق قانون نفت و گاز خود را از تصویب مجلس گذراند. ترکیه و اقلیم کردستان علی‌رغم روابط نه‌چندان مناسب پیشین، تمایل زیادی در حفظ شراکت اقتصادی جهت دستیابی به منافع اجتماعی-اقتصادی دو طرف دارند. در حوزه سیاسی و انرژی به‌خصوص نفت و گاز ترکیه به همکاری با عراق نیاز دارد. عراق با انعقاد قرارداد نفتی و گازی تا سال ۲۰۱۷ ظرفیت تولید سالیانه خود را به ۱۲ میلیون بشکه رساند. در شش میدان نفتی و گازی در عراق شرکت‌های انرژی و خصوصی وابسته به دولت ترکیه سرمایه‌گذاری کردند و به دلیل وجود شرکت‌های ترکیه در عراق، ترکیه از عراق حمایت می‌کند در واقع انتقال انرژی و افزایش همکاری در میدان عراق نیازمند صلح و ثبات است. از سوی دیگر ترکیه باهدف تبدیل‌شده به قطب ترانزیت انرژی منطقه در تلاش است ترانزیت نفت عراق را هم در راستای این راهبرد تعریف کند (فلاح، ۱۳۹۵).

۷-۲ فروش کالاهای ترکیه در بازار ۵ میلیون نفری کردستان عراق

نفوذ زیاد در میان کردهای عراق هدف نهایی ترکیه است که با تعاملات اقتصادی با اقلیم کردستان محقق می‌شود. این نفوذ باعث می‌شود ترکیه در برابر اتفاقات پیش‌بینی‌نشده حرفی برای گفتن داشته باشد و اگر اوضاع به آشوب کشیده شود از کردها به‌عنوان مانع استفاده نماید. یکی از ابزار فشار و نفوذ بر دولت مرکزی عراق همکاری اقتصادی با حکومت اقلیم است. در سال ۲۰۱۲ ترکیه با رفتار ملایمی که نسبت به حکومت اقلیم کردستان داشته به نظر می‌رسد اعتراضی نسبت به استقلال کردستان نداشته باشد چون پیش‌قدم شدن برای صلح با کردهای ترکیه توسط دولت اردوغان نگرش کلی دولت اوست و آنچه برای ترکیه مورد اهمیت است نائل شدن به رشد اقتصادی بالا است. در مجموع می‌توان ابراز داشت که بازار اقلیم کردستان برای فروش کالاهای کشور ترکیه یکی از مهم‌ترین ابعادی است که در نگاه استراتژیک این کشور نسبت به کردستان عراق تأثیرگذار بوده است (فلاح، ۱۳۹۵).

۸- نتیجه‌گیری

در این تحقیق، چارچوب نظری نوواقع‌گرایی ته‌اجمی به‌منظور تحلیل نوع رابطه حزب عدالت و توسعه ترکیه با حکومت اقلیم کردستان عراق انتخاب شد.

آنچه مسلم است این نکته هست که ترکیه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، دچار چرخشی اساسی در سیاست خارجی خود شد. البته این چرخش دلایل عدیده‌ای داشت که هم شامل عوامل داخلی و هم عوامل خارجی و بین‌المللی می‌شد. از جمله عوامل داخلی می‌توان به نقش ایدئولوژی، کاریزما و نو عثمانی‌گری دیدگاه واقع‌گرایانه اشاره کرد که هرکدام به سهم خود تأثیر بسزا بر انتخاب خط‌مشی سیاست خارجی ترکیه داشته‌اند. مهم‌ترین عامل بین‌المللی که سیاست خارجی ترکیه را در منطقه دچار تحول کرد، فروپاشی نظام دوقطبی پس از پایان جنگ سرد بود. چراکه ترکیه به‌عنوان متحد آمریکا و بلوک غرب در دوران جنگ سرد، از جایگاه بااهمیتی در منطقه و جهان برخوردار بود اما پایان جنگ سرد این جایگاه را از ترکیه گرفت. میزان اثرگذاری مجموعه این عوامل زمانی تشدید شد که حزب عدالت و توسعه بر سرکار آمد. این حزب، هرچند که توجه و تمایل به غرب را هم چنان در صدر برنامه خود قرار داد اما با توجه به خاستگاه اسلامی آن، به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه هست. به‌هرحال ترکیه تلاش می‌کند به اهداف سیاسی و اقتصادی خود در اقلیم کردستان دست پیدا کند. نظیر تأمین انرژی و کاهش وابستگی به روسیه و ایران. در چند سال اخیر هدف‌های سیاسی و امنیتی در اقلیم کردستان با توجه به سرکوب پ.ک.ک، عضویت در اتحادیه اروپا، نفوذ در حکومت مرکزی عراق و همچنین اهداف اقتصادی برای ترکیه بسیار مورد اهمیت است. در زمینه سرمایه‌گذاری اقتصادی، در خصوص تأمین انرژی ترکیه بسیار موفق عمل کرده است و حتی توانسته در صورت استقلال کردستان عراق این منطقه به ترکیه وابستگی داشته باشد. اقلیم کردستان با وابستگی شدید به تنها مسیر ترانزیتی و خط لوله نفتی مورد مناقشه که از ترکیه و منطقه جنگی عبور می‌کند خود را در وضعیت آسیب‌پذیری اقتصادی بیشتری نسبت به گذشته قرار داده است که این امر باعث در تنگنا قرار گرفتن بیشتر در قبال ترکیه شده است.

در سال ۱۹۹۱ حمله عراق به کویت و قیام کردها، منجر به ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق و تشکیل حکومت اقلیم کردستان (به‌صورت دوفاکتو) شد. در ادامه با سقوط رژیم بعث و تدوین قانون اساسی جدید، اقلیم کردستان به‌عنوان یک منطقه خودمختار در چهارچوب کشور عراق به رسمیت شناخته شد. به‌گونه‌ای که امروز حکومت منطقه ای کردستان عراق به‌مثابه یکی از نیروهای اصلی تأثیرگذار در فرایندهای سیاسی منطقه در تعامل با کشورهای منطقه‌ای اعم از ج.ا.ایران و ترکیه اهمیت بیشتری یافته است. لذا حضور و نفوذ هر یک از این دو کشور در اقلیم کردستان عراق بر قدرت منطقه و منافع ملی دیگری تأثیرگذار خواهد بود. روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق و ترکیه در سال‌های اخیر روند رو به رشدی داشته است و ترکیه برخلاف مواضع تند سال‌های نه‌چندان دور خود در قبال کردستان عراق در تلاش است تا به هر طریق ممکن نفوذ خود را در زمینه‌های مختلف در این منطقه افزایش دهد و البته این تمایل از سمت کردستان عراق به سمت ترکیه نیز به دلایل مختلف در سال‌های اخیر تقویت شده است. در این راستا سؤال اصلی اینکه روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه و اقلیم کردستان چه تأثیری بر قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران دارد فرضیه با توجه به بررسی

سیاست‌های ترکیه در کردستان عراق و نقش اقتصادی و سیاسی آن در منطقه می‌توان گفت به هر اندازه روابط ترکیه و اقلیم کردستان تقویت شود به همان اندازه نفوذ ایران در اقلیم کاهش و در نتیجه قدرت منطقه ای ایران در خاورمیانه کاهش خواهد یافت.

در حالی که بازیگرانی مثل ایران، عربستان، مصر و سوریه سال‌های مدیدی است در صحنه منطقه حضور دارند، مواردی که موجب پیشرفت این کشور در منطقه شده است شامل کاهش تورم و توسعه روابط با همسایگان، توسعه اقتصادی و سیاسی و درآمد سرانه، تقویت رابطه با ایران، سوریه، عراق، لبنان و مصر و میانجی‌گری در منطقه و حضور در عرصه جهانی و همراهی جامعه بین‌الملل از سوی دیگر بود. در نهایت ترکیه با گسترش روابط با حکومت اقلیم کردستان عراق برای حل مسئله و موضوع کردها در ترکیه برگ برنده باارزشی را به دست خواهد آورد که در غیر این صورت هیچ راهی برای به دست آوردن آن نبود. ترکیه بی‌تردید از طریق اهرم فشارها، تشویق و تنبیه‌های مستقیم و غیرمستقیم که می‌تواند علیه حکومت اقلیم کردستان و حزب دموکرات به رهبری بارزانی در اربیل اعمال کند، به دنبال آن بوده و خواهد بود تا سرحد امکان به آرایش نیروها و عوامل مؤثر در عرصه سیاست عراق به گونه‌ای جهت دهد که منافع استراتژیکی‌اش تأمین شود. عامل منطقه‌ای دیگری که به مسئله ارتباط ترکیه با کردستان جهت می‌دهد، تمایل شدید ترکیه به جلوگیری از گسترش روابط اربیل با رقبای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای این کشور است. ترک‌ها به خوبی می‌دانند مادامی که مسئله کرد و پ.ک.ک. را حل نکنند آن‌ها همواره در معرض آسیب‌پذیری از ناحیه کردها توسط رقبایشان در منطقه هستند.

منابع فارسی

- ارسباری، توحید مقدم، (۱۳۹۱)، ترکیه و کردستان عراق، سایت نظرگاه سیاسی، مطالعات سیاسی همسایگان شمالی ایران.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، «چشمداشت‌های ترکیه به شمال عراق»، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۹۵.
- داود اغلو، احمد، (۱۳۹۱)، عمق راهبردی، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد، تهران: امیرکبیر.
- درخشه، جلال و دیو سالار، مجید، (۱۳۹۰)، «عوامل همگرایی و واگرایی روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه» فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۷.
- درویشی، فرهای و محمدیان، علی، (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیرات سیاست خارجی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» (۱۹۹۱-۲۰۱۳)، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸۵.
- ذوالقدر، مالک و کاظمی پیرسرا، رشید، (۱۳۹۴)، «سیاست ترکیه در اقلیم کردستان و آینده سیاسی عراق»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱.
- ساجدی، امیر، فرامرز امجدیان، (۱۳۹۴)، «تأثیر فدرالیسم کردستان عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران»، نشریه دانشنامه، شماره ۸۰ (علوم سیاسی).
- صمدی، فریبا، (۱۳۹۵)، «روابط استراتژیک دولت اسلام‌گرایی ترکیه (حزب عدالت و توسعه) و حکومت اقلیم کردستان عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.
- فلاح، رحمت‌الله. (۱۳۹۵). تقابل و تعامل ترکیه و ایران در عراق، سایت اندیشه سیاسی.
- فلاحت پیشه، حشمت‌الله، وحید شربتی و محمدمهدی مظفری، (۱۳۹۴)، «بررسی مؤلفه‌های هژمون در ترکیه»، فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، دوره ۵، شماره ۳.
- کامل، روح‌الله، (۱۳۸۲)، «مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی»، فصلنامه نگاه، شماره ۳۸.
- کتابی، محمود، (۱۳۹۲)، «بررسی روابط سیاسی-اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۷.
- مرشایمر، جان، (۱۳۸۸)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- نیاکوئی، امیر، سجاد مرادی کلارده، (۱۳۹۴)، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق، فصلنامه روابط خارجی، سال ۷، شماره ۱، بهار.
- پایگاه‌های نظامی ترکیه در خاک اقلیم کردستان، خبرگزاری کردپرس، ۱۴/۴/۱۳۹۷ به آدرس:

Charountaki, M. (2012). Turkish foreign policy and the Kurdistan Regional Government. *Perceptions: Journal of International Affairs*, 17(4), 185-208.

Katzman, Kenneth. (2013). Iraq: politic, Governanc, and Human Rights. Congressional Research Service (CRS) Report for Congress. August 22, 2013. RS.21968.

The relationship of the Turkish Justice and Development Party with the government of Iraqi Kurdistan From 2003 to 2018

Bashir Esmaeili¹, Esmaeil Shafiee², Niloofar Hamdi³

Received: 2021/03/26

Accepted: 2021/07/11

Abstract

Turkey is one of the main factors in challenging the crises of district, It is necessary to analyze the policies Turkey makes in Iraq. Due to the dispersal of Kurdish ethnic groups in Turkey and the Kurds of neighboring countries we have witnessed different policies by the Turkish government in dealing with the Kurds. The main purpose of research is to analyze the relationship of Justice & Development Party in Turkey with the government of Iraqi Kurdistan. The Turkish Justice and Development Party has taken a turn in its foreign policy pursuing a policy of regional hegemony seeking to resolve domestic and regional issues and one of the most important issues in the region is the Kurdish question. The descriptive- analytical method was used in this research and library resources, papers and theses helped the analysis of this problem. The main question of the research is whether there is a relationship between the Justice and Development Party of Turkey and the Iraqi Kurdistan Regional Government? Theoretical framework of research is aggressive realism to describe this research. Turkey tries to full fill the policies concurrently, develop its relationship with government of Kurdistan and extend it to the level of strategic relation.

Keywords : Justice and Development Party , Iraqi Kurdistan Region , Turkey, Aggressive realism , Erdogan

¹ . Assistant Professor and Faculty of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran (Corresponding Author)

Bashir_Esmaeili@yahoo.com

² . Assistant Professor and Faculty of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran

³ . Ph. D Student in International Relations, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran